

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

صفحات: ۱۵۱-۱۷۱

## نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ایران

### در قرن بیستم

#### امیرمسعود شهرام نیا

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

#### محمد کوراوند\*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

#### مرضیه فدایی ده چشمه

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

### چکیده

در این مقاله با رویکرد تاریخی - تطبیقی به چگونگی نقش‌پذیری توده‌ها و اقشار فرودست در سه رویداد مهم اجتماعی سیاسی ایران در قرن بیستم پرداخته می‌شود. با توجه به گستردگی توده‌ها و فرودستان در جامعه ایران در قرن گذشته و تغییرات مهم در قشربندی اجتماعی ایران به تاثیر و نقش‌پذیری این اقشار در روند تحولات مهم اجتماعی کمتر پرداخته شده است. این پژوهش در صدد است با تکیه بر قشربندی اجتماعی و نقش توده‌ها و فرودستان در سه رویداد انقلاب مشروطه، دوره ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی به تبیین عوامل اصلی موثر در نقش آفرینی این اقشار بپردازد. پرسش اصلی مقاله این است که کدام عوامل در هر سه دوره بر حضور و نقش آفرینی این اقشار اثر داشته و با وجود این زمینه‌ها کدام عوامل به طور خاص و مقطعی توانسته به عنوان محرک، تاثیرپذیری و مشارکت توده‌ها را در هر رویداد تحت تاثیر قرار دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد: تبعیت از گروه‌های مسلط در جنبش‌ها، تحریک ایستارهای احساسی و ارزشی با تاثیر عناصر کارزماتیک، بحران اقتصادی مقطعی به عنوان محرک توده‌ها، بر نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان تاثیر مستقیمی داشته است.

**واژگان کلیدی:** قشربندی اجتماعی، نابرابری اجتماعی، طبقه اجتماعی، توده، اقشار

فرودست.

در اکثر مطالعات تاریخی و پژوهش‌های سیاسی تحولات مهم با نگاهی از بالا به پایین بررسی شده و آنچه که مورد توجه قرار گرفته نهادهای سیاسی حاکم، روابط و کنش‌های گروه‌های اجتماعی خاص و نقش افراد و جریانات شاخص بوده است و به ندرت چگونگی زیست، دگرگونی و بسیج توده‌ها و همچنین جایگاه طبقات فرودست اجتماع در روند تحولات مورد مطالعه قرار گرفته است. در ایران هم بیشتر پژوهش‌ها بر نقش روشنفکران و چهره‌های خاص و همچنین تاثیر طبقه متوسط جدید در روند تحولات اجتماعی معاصر متمرکز بوده است و با توجه به حضور و نقش آفرینی توده‌ها و اقشار فرودست یافته‌های مستقلی در مورد این گروه‌ها و عوامل اصلی تاثیرگذار بر آن‌ها در روند تحولات مهم معاصر در دسترس نیست. در نگرش مقایسه‌ای جامعه‌شناسی به رویدادهای تاریخی، کنش‌ها، ساختارها، حوادث و زمینه‌ها به گونه‌ای می‌نگرد تا وجوه اشتراک رفتار انسانی در گذشته را دریابد و در مقام مقایسه به رهیافتی علمی و پژوهشی دست یابد.

این پژوهش درصدد است عوامل تاثیرگذار بر نقش‌پذیری اقشار فرودست و توده‌ها را در سه رویداد اجتماعی دوران معاصر مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. پیش‌زمینه‌ی بررسی نقش و تاثیرپذیری یک قشر در یک برهه‌ی خاص منوط به شناخت قشربندی اجتماعی در آن دوره می‌باشد. در جامعه سنتی و اقتدارگرای ایران از گذشته‌ی دور تا اواخر قرن نوزدهم قشربندی اجتماعی حول دو مفهوم عوام و خواص می‌چرخید. خواص وابستگان حکومت، حکام محلی، بزرگان شهری و سایر افرادی که رابطه نزدیکی با حاکمیت داشتند و عوام یا توده‌ی مردم که در این دوران زندگی تقریباً هم‌سطحی داشتند بقیه اقشار جامعه که رده نخبگان سیاسی، اقتصادی، فکری و حکومتگران جدا بودند را در بر می‌گرفت (یزدانی مقدم، ۱۳۹۴). با ورود به قرن بیستم و تشکیل دولت مدرن و مراحل اولیه صنعتی شدن و سپس ورود نفت به اقتصاد ایران، تولید سرمایه شکل جدیدی به خود گرفت و اقتصاد و جامعه ایران تغییر ساختار داد. این تغییر ساختار اقتصاد از کشاورزی و پیشه‌وری به صنعت و خدمات به مرور منجر به فروپاشی اقتصاد سنتی ایران شد. این تغییرات که با رشد فراینده‌ی شهرنشینی و حاشیه‌نشینی مهاجران، و بالطبع وسیع‌تر شدن شکاف بین طبقات همراه بود، تبعات اقتصادی و اجتماعی زیادی برای توده مردم و فرودستان در پی داشت (اشرف، ۱۳۷۸). این تغییرات از طرفی به قشربندی اجتماعی جدیدی در ایران منجر شد و از طرف دیگر در پیروی این اقشار از گروه‌های پیشرو جامعه و همراهی با آن‌ها در جنبش‌های سیاسی اجتماعی به بروز نارضایتی و نقش‌پذیری آن‌ها در تحولات مهم انجامید. با بررسی قشربندی اجتماعی در مقطع هر یک از سه رویداد اجتماعی، ترکیب اقشار فرودست و توده در هر دوره متمایز می‌گردد و پس از شناخت این اقشار با توجه به ادبیات

پژوهشی تحقیق عوامل اصلی تاثیرگذار بر نقش‌پذیری اجتماعی آنها در هر سه رویداد مشخص گردد. هدف این پژوهش یافتن عوامل و زمینه‌ای است که در هر سه دوره بر حضور و نقش‌آفرینی این اقشار اثر داشته و با وجود این زمینه‌ها، کدام عوامل به طور خاص و مقطعی توانسته به عنوان محرک، تاثیرپذیری و مشارکت توده‌ها را در هر رویداد تحت تاثیر قرار دهد.

## روش‌شناسی پژوهش

شیوه تاریخی تطبیقی در مطالعات اجتماعی از این جهت مناسب و با اهمیت است که می‌تواند پیامدهای خاص ناشی از ترکیب عوامل اجتماعی را شفاف بیان کند و از این جهت قادر است پدیده‌های اجتماعی را با یکدیگر مقایسه و وجوه اشتراک‌شان را طرح کند و در نهایت به مطالعات تحولات دراز مدت جامعه کمک نماید. در این روش با بررسی علل و زمینه‌ی یک رویداد تاریخی و تفاوت‌ها و تشابهات رفتاری، اجتماعی و ساختاری می‌توان پی به فهم عمیق‌تر و کاربردی‌تری نسبت به پدیده‌های مشابه دست یافت. (زکی، ۱۳۷۸: ۱۸). در این پژوهش در چارچوب نظری طرح شده می‌توان از مقایسه بین عوامل تاثیرگذار بر نقش توده‌ها و اقشار فرودست در تحولات اجتماعی مهم معاصر پی برد که آیا الگو یا زمینه‌های مشترکی در هر سه دوره بر حضور و نقش‌آفرینی این اقشار اثر داشته و با وجود این زمینه‌ها کدام عوامل به طور خاص و مقطعی توانسته به عنوان محرک، تاثیرپذیری و مشارکت توده‌ها را در هر رویداد تحت تاثیر قرار دهد.

## ۱) چارچوب نظری

با توجه به پیچیدگی پدیده قشربندی اجتماعی در قرن گذشته و ضعف در پدیده تاریخ‌نگاری اجتماعی و نگاه دقیق به رفتارهای طبقات پایین جامعه بررسی نقش و تاثیرپذیری توده‌ها و فرودستان در رخدادهای سیاسی ایران با الگوی نظری واحدی قابل تفسیر و تحلیل نمی‌باشد. جهت تحلیل مسئله‌ی پژوهش، از سه دیدگاه نظری در ارتباط با نوع فرهنگ سیاسی تبعی، نقش رهبری کارزماتیک و تاثیر عامل محرومیت نسبی بهره گرفته می‌شود تا از این رهگذر با تلفیق این دیدگاه‌ها و بررسی تاثیر متقابل آنها در سطوح اجتماعی و سیاسی به بررسی نقش‌پذیری و رفتار توده‌ها و فرودستان در رویدادهای مهم اجتماعی پرداخت.

## ۱-۱) رهیافت فرهنگ سیاسی آلموند<sup>۱</sup> و وربا<sup>۲</sup>

بهره اصلی این پژوهش از رهیافت فرهنگ سیاسی آلموند و وربا چرایی رفتار سیاسی یک جامعه بر مبنای ایستارهای احساسی و ارزش‌های سنتی است و بدین‌سان رفتار سیاسی آن‌ها ناپایدار می‌نماید. رفتار سیاسی افراد در بستر فرهنگ سیاسی نهفته است و برای تشریح رفتار سیاسی باید فرهنگ سیاسی شناخته شود. فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است و ریشه در رویدادهای اجتماعی و تجارب فردی دارد. گابریل آلموند اصطلاح فرهنگ سیاسی را به سمت‌گیری خاص سیاسی (یعنی مجموعه‌ای از سمت‌گیری‌ها نسبت به اهداف خاص و روندهای اجتماعی) اطلاق می‌کند. (۱۳: ۱۹۶۳، Almond & Verba).

از نظر آلموند و وربا سمت‌گیری روانشناسانه به انواع شناختی، احساسی و رفتاری (ارزیابانه) تقسیم می‌شود و همین دسته‌بندی را ملاک تقسیم رفتارهای سیاسی و همچنین انواع فرهنگ سیاسی قرار می‌دهند. فرهنگ سیاسی مبتنی بر نگرش احساسی، سطحی و ناپایدار است. در این فرهنگ سیاسی اگر چه سمت‌گیری غیرشخصی است؛ اما نگرش فرد نسبت به نظام ناشی از ارزش‌های اخلاقی، مذهبی یا سنتی جامعه است. طبق دیدگاه شناختی، فرهنگ سیاسی پایدار فرهنگی است که به قضاوت‌های شناختی و کنش‌های عقلایی معطوف به هدف استوار باشند نه بر قضاوت‌های احساسی و ارزشی. در مجموع هرچه نگرش شناختی‌تر و ادراکی‌تر باشد فرهنگ سیاسی محکم‌تری از لحاظ توسعه سیاسی ایجاد می‌شود (امام جمعه زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۵). بنابراین در بررسی فرآیند رفتار سیاسی سه امکان را بررسی می‌کنند. نخست؛ موقعیتی که افراد به طور بالقوه و یا بالفعل در فرایندهای سیاسی مشارکت می‌کنند و از سیاست آگاهند و توانایی ارائه تقاضای سیاسی را دارند. دوم؛ افرادی که منفعلانه از قوانین و مقامات اطاعت می‌کنند، توانایی ارائه تقاضای سیاسی ندارند و در سیاست دخالتی ندارند و این‌ها را تبعیت‌کنندگان می‌نامند. سوم هم کسانی که به ندرت از سیاست و حکومت آگاهی دارند و به مسایل جامعه حساسیتی ندارند. همچنین در این رهیافت نوع دیگری از فرهنگ سیاسی به نام فرهنگ سیاسی مختلط وجود دارد و معتقد است در هر کشور الزاماً یک فرهنگ سیاسی وجود ندارد (کمالی، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

## ۱-۲) نظریه رهبری کاریزماتیک ماکس وبر<sup>۳</sup>

ماکس وبر اقتدار را به عقلانی و بروکراتیک، سنتی و کاریزماتیک تقسیم می‌کند. اقتدار کاریزماتیک حاصل کنش عاطفی جامعه نسبت به فرد خاص است که در موضعی قهرمانانه یا

۱- Gabriel Almond

۲- Sydney Verba

۳- Max Weber

مقدس قرار داده می‌شود که به صورت غیرعادی مورد اقبال عمومی جامعه است (آرون، ۱۳۷۴: ۶۰۷-۶۰۰). به باور وبر وعده‌ی نظم نوین شخص کاریزما نیروی کاریزماتیک را تحول‌زا می‌کند. این نیرو گاه سنت‌ها را احیا می‌کند و گاه نیز سنت‌های جدید را جایگزین سنت‌های قدیم و ناسازگار با شرایط جدید جامعه می‌کند. پس نیروی کاریزماتیک پدیده‌ای اجتماعی است که هواداری اجتماعی را که در اذهان و باورها ساخته شده است و به صورت امر ذهنی و روانی در آمده را در پی دارد. (دورژ، ۱۳۷۶: ۱۲۰). از این جهت کار رهبر کاریزمایی ترغیب و تهییج دائمی ابعاد عاطفی و روانی ذهن پیروان خود است و در دوره‌های فشار و اضطراب روانی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی به صورت نیروی انقلابی با زمینه‌ای از نارضایتی در قالب نفی گذشته و شرایط موجود پیدا می‌شود و توده را بسیج می‌کند.

### ۳-۱) نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر<sup>۱</sup>

محرومیت نسبی یکی از مفاهیمی است که تد رابرت گر در کتاب چرا انسانها شورش می‌کنند ارائه کرده است. این مفهوم ناظر بر شرایطی است مبنی بر درک کنشگر از تفاوت بین انتظارات ارزشی یعنی شرایط مطلوبی که افراد خود را محق دست یافتن به آنها می‌دانند و توانایی ارزشی، یعنی وسایل و شرایطی که تصور می‌کنند قابلیت دستیابی به آنها را دارند. در این ارتباط ناکامی زمانی به وجود می‌آید که در آن فرد بر اساس استانداردهای عینی در تلاش برای کسب یک ارزش یا تداوم در بهره‌مندی از آن با مانع فیزیکی روبه‌رو می‌شود. اما سرخوردگی تنها زمانی ایجاد می‌شود که کنشگران از این اختلال آگاه باشند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

رابرت گر در تحلیل خود گزاره‌هایی درباره ارتباط میان محرومیت نسبی هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی گنجانده است. تا آنجا که یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد در حالی که احساس محرومیت در سطح فردی باعث گسترش اضطراب، آشفتگی، بیگانگی و انزوای فرد در اجتماع می‌شود ولی احساس محرومیت در سطح گروهی منجر به کاهش مشارکت قاعده‌مند و گسترش خشونت سیاسی در قالب آشوب، کشمکش داخلی و غیره می‌گردد. این خشونت اجتماعی و رفتار اعتراضی ناشی از احساسات درک شده از بی‌عدالتی و توزیع نابرابر منابع است. افزایش نابرابری بین گروه‌های اجتماعی - اقتصادی به خروج هر چه بیشتر گروه‌های به حاشیه رانده شده، گسترش کشمکش داخلی و ایجاد خشونت جمعی منجر می‌شود. علاوه بر این یکی از عوامل دیگری که در پیدایش احساس محرومیت نسبی (به غیر از عامل نابرابری) موثر است مقایسه‌های اجتماعی توسط افرادی است که رفاه خود را پایین‌تر از دیگران تصور می‌کنند. در این راستا هنگامی که اعضای یک اجتماع گروه مرجع مشابه دیگری را مرفه تصور

<sup>۱</sup>-Ted Robert Gr

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

کنند احساسی از محرومیت در بین آن‌ها به وجود خواهد آمد که تا پیش از این مقایسه در بین آن‌ها وجود نداشته است. یکی از نتایج احساس محرومیت نسبی حاصل از مقایسه گرایش فرد نسبت به انقلاب برای تغییر نظام اجتماعی موجود است (امام جمعه زاده، ۱۳۹۵: ۳۱).

## ۲) توده‌ها و فرودستان در انقلاب مشروطه

در اواخر دوره قاجار به واسطه تحولات عمده در دنیا و به دلیل مناسبات و ارتباطاتی که به تدریج ایجاد شده بود برخی دگرگونی‌ها در جامعه ایران در حال وقوع بود؛ اما با این حال هنوز در ایران خبری از ظهور طبقات اجتماعی مدرن نبود. دگرگونی بیشتر در شیوه‌ی زندگی نخبگان و به خصوص تحصیل کردگان در غرب آغاز شده بود، اما به واسطه عدم ایجاد مناسبات تولید مشابه نظام سرمایه‌داری در غرب شیوه زندگی اکثر طبقات اجتماعی به هم نزدیک بود و نابرابری ژرفی در معیارهای زندگی و الگوهای مصرف مشاهده نمی‌شد. در این دوره عوام ترکیبی از زمینداران خرد، رعایا، پیشه‌وران خانگی، کارگران فرودست و فصلی، کارگران صنعتی نوپا، خدمت‌گران شهری، مهاجرین، روستاییان و برخی مردم ایلات بودند که به لحاظ دیدگاه‌های عقیدتی و معیارهای زندگی نزدیکی زیادی به طبقات متوسط سنتی داشتند اما از نظر دارایی فقیرتر از طبقات بازاری و اصناف بودند. به دلیل سطح پایین‌تر زندگی، عدم نقش‌پذیری اجتماعی و عدم قشربندی نوین در جامعه ایران عوام تقریباً ترکیب قشرهای پایین متوسط (غیر بازاری) و فرودست بودند (یزدانی، ۱۳۹۴: ۹۵).

آشنایی توده‌ی مردم با مفاهیم جدیدی همچون ناسیونالیسم، سوسیالیسم، آزادی، دولت ملی و ... از طریق مهاجرت (اتابکی، ۱۳۹۱: ۸۷)، تشکیل احزاب و انجمن‌ها، مطبوعات و مانند آن‌ها، باعث آگاهی بخشی به قشر فرودست شد (کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۵) که نتایج آن بعدها در انقلاب مشروطه ظاهر گردید. این حضور در انقلاب مشروطه یک حضور دو سویه بود. در حالی که در اکثر مواقع به نفع مشروطه خواهان به تحرکات اجتماعی دست می‌زدند در برخی مواقع هم با تحریکاتی در مخالفت با مشروطه حاضر می‌شدند (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

در دوره‌ی نخست علما نقش رهبری توده‌ها و فرودستان را بر عهده دارند. در اکثر وقایع منجر به امضای مشروطیت (۹ واقعه مهم) بسیج، هدایت و تحریک توده مردم و بخش‌هایی از فرودستان که به حرکت پیوسته بودند رهبری با علما و مراجع انجام می‌گرفت. در ۴ واقعه هم که با بسته شدن بازار و تحصن تجار آغاز شده بود هماهنگی و یا پشتیبانی بلافاصله توسط طلاب و علما انجام گرفته است (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۵). در ائتلاف شکننده‌ی بین روحانیت و روشنفکران دست بالا را روحانیت داشت. لمتون دلایل این امر را پیروی عامه مردم از احکام اسلامی، امید به بازگشت حکومت عدل تحت نظر شریعت، نداشتن اندیشه مدون در

نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ...

مورد حکومت توسط غرب‌گرایان و عدم ارتباط مستقیم غرب‌گرایان با عموم مردم می‌داند (شهرام نیا، ۱۳۷۹). هر چند نداشتن آگاهی سیاسی و اجتماعی توده(به دلیل کم سوادی یا به عبارت بهتر بی‌سوادی و نوپا بودن) نیز عامل مهمی است. در دوره‌ی دوم با افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی توده‌ها رهبران تجددگرای جنبش و برخی نمایندگان خواهان نوعی سکولاریسم، بسط مشروطه و دموکراتیک‌تر شدن آن بودند. در راستای این هدف باید نقش علما و نفوذ آن‌ها در بین توده به دو روش کم می‌شد: نیروی نخست انجمن‌های سیاسی تحت هدایت روشنفکران غیرمذهبی که بیشتر به دنبال ایجاد حکومت عرفی بودند. نیروی دوم مجاهدین بودند که بیشتر جنبه نظامی داشته و نقش حمایت از آزادی‌خواهان و دستاوردهای مشروطه را برعهده داشته و اکثراً در خارج از پایتخت حضور داشتند. در این دوره نقش تسلط بر این گروه‌ها از علما به روشنفکران منتقل شده بود و معمولاً به کمک واسطه‌هایی از هواداران انجمن‌ها در جهت تحقق خواست‌های سیاسی خود استفاده می‌کردند.

### ۳) توده‌ها و فرودستان در دوره ملی شدن صنعت نفت

در این دوره جنگ دوم جهانی نقش مهمی در به صحنه آوردن فرودستان دارد. تأثیری که این جنگ بر مردم ایران گذاشت گسترش شکاف طبقاتی بین توده‌های فقیر و محروم جامعه و افشار ممتاز و ثروتمند بود. این وضعیت دوگانه از طرفی فرصت ثروت‌افزایی را به طبقات بالای جامعه داد، که کالا و سرمایه در اختیار داشتند؛ و از طرف دیگر فرودستان و کسانی که درآمد ثابت داشتند را متضرر ساخت (مقصودی، ۱۳۹۶: ۳۲). کاهش دستمزد کارگران، رکود، کاهش تولید و ... (هدایت، ۱۳۸۸: ۴۲۶) از دلایل این گسست طبقاتی است.

قشریندی نوین اجتماعی و تحرک طبقاتی جدید ساختار جامعه‌ی ایران را با تحول همراه کرد. تغییر اقتصاد از سنتی به صنعتی، مهاجرت به شهرها و تغییر سبک زندگی برخی طبقات متوسط سنتی توده مردم را تحت تأثیر قرار داد و گروه‌هایی همچون طبقه کارگر، مزدبگیر، لمپن‌ها و حاشیه‌نشین‌ها رشد زیادی یافتند. به طور تقریبی توده ترکیبی از سایر طبقات غیر از طبقه مسلط، نخبگان سیاسی - فکری و مذهبی و طبقه متوسط جدید مرفه(که تحت تأثیر نوسازی آمرانه دربار و طبقات مسلط قرار داشتند) بود. این افشار در ابتدا تأثیر مستقیم و مستقل بر روند رخدادها نداشتند اما به مرور تحت تأثیر سه جریان فکری به رویدادهای سیاسی این دوره وارد شدند. در این دوره برای نخستین بار جریان‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی موفق شدند بخشی از توده را با خود همراه سازند و در کنار اهداف سیاسی خود، شعارها و مطالبات این قشر را بیان کنند (اشرف، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۰).

طی دهه‌ی دوم حکومت رضاخان به طور عمده سه جریان به عنوان نیروی فعال سیاسی حضور داشت که عبارتند از: جریان جبهه‌ی ملی، حزب توده و جریان مذهبی (همراه با جبهه ملی). حزب توده با استفاده از محیط مساعد ابتدای دهه ۲۰ به تبلیغ اصول کمونیسم در ایران پرداخت. روشنفکران و کارگران بیش از همه‌ی طبقات در معرض جذب سازمان‌های حزب توده بودند (قربشی، ۱۳۳۵: ۹). حزب توده جاذبه ایدئولوژیکی برای هر سه گروه روشنفکر، طبقه متوسط حقوق بگیر و خرده بورژوازی بازار و طبقات کارگر شهری و فرودست داشت (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۴۰۳). در ارتباط با جبهه‌ی ملی عواملی که سبب حمایت توده‌ها می‌شد سه دسته‌اند: نخست، شخصیت کاریزمای مصدق در نزد توده‌ها. فسادناپذیری، وطن پرستی و مخالفت با امتیازهای خارجی از مصدق چهره‌ای مردمی ساخته بود. دوم، جذب بخشی از بازار، اقشار پایین سنتی و توده‌ها از طریق ایجاد طیف مذهبی در درون خود. مثلاً در انتخابات مجلس شانزدهم در ۱۳۲۸ با زبان طبقات سنتی و پایین‌تر به طرح دیدگاه پرداخت و با حمایت از برخی جریانهای مذهبی و بازار توده‌ها را به خود نزدیک ساخت. حایری و کاشانی نیز در اعلامیه‌های عمومی که به نام و طرفداری از بازار منتشر می‌کردند خواستار اجرای شریعت، لغو قوانین غیردینی رضاشاه، حفظ صنایع ملی و اتحاد مسلمانان در برابر غرب بودند. سوم، مطرح کردن لایحه‌ی ملی کردن صنعت نفت که با اقبال عمومی طبقات جامعه همراه شد (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۰-۳۱۸).

توده‌ای شدن سیاست مشخصه‌ی بارز دوران نخست وزیری مصدق است. به عبارتی مرکز قدرت جبهه‌ی ملی مصدق خیابان‌ها و تظاهرات خیابانی است. روزنامه‌ی اطلاعات در این باره می‌نویسد: «مصدق همواره به تظاهرات خیابانی متوسل می‌شود تا مخالفان را تحت فشار قرار دهد». جمال امامی نماینده‌ی مجلس نیز مصدق را به هوچی‌گری و انقلابی‌گری متهم می‌کند. در واقع مصدق از «سیاست کف خیابانی»- بسیج توده‌ها و تظاهرات خیابانی- به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی‌های سیاسی استفاده می‌کند (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۰-۳۱۸).

بنابر آنچه گفته شد از مهم‌ترین تغییرات در سال‌های ۳۲-۱۳۲۰ این که توان الهام بخشی و بسیج بخش زیادی از توده‌ها و اقشار پایین و ناراضی اجتماع در اختیار جریان‌های ناسیونالیست و سوسیالیست قرار گرفت. در تحركات مهم ابتدای دهه ۳۰ از جمله ملی شدن نفت، انتخابات مجلس هفدهم، همه پرسی و واقعه ۳۰ تیر تا زمان اختیارات فوق‌العاده، توده مردم و طبقات فرودست تحت رهبری سه جریان فکری تقریباً یکپارچه از مصدق و دولت ملی حمایت می‌کردند. بنابر آنچه گفته شد گروه‌های جدیدی همچون کارگران صنعتی، مزدبگیران شهری، گروه‌های حاشیه‌ای و لمپن‌ها به همراه بخش‌هایی از طبقه متوسط که بیشتر مطالبات سیاسی و اجتماعی داشتند، تحت تاثیر رویدادهای سیاسی این دوره و در پیروی از گروه‌های مرجع و جریانان نوظهور سیاسی در دوره ملی شدن صنعت نفت تا کودتا نقش‌پذیری و تاثیرات مهمی



نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ...

داشتند. همچنین فرهنگ سیاسی بخش‌هایی از جامعه مانند طبقه متوسط جدید، تحصیل‌کردگان، طبقه میانی بازار، اتحادیه‌ها و جریان‌ات کارگری در طی این دوره با پیشرفت‌هایی همراه بود؛ اما اکثریت توده و به خصوص گروه‌های حاشیه‌ای و بی‌طبقه هنوز هم فرهنگ سیاسی محدود-تبعی و مبتنی بر ایستارهای احساسی داشتند. این قشرها همان‌گونه که شرح داده شد در جریان تصویب قانون ملی شدن نفت، در همه‌پرسی و در وقایع سی‌تیر به طور متحد از مصدق حمایت کردند اما ظرف مدت کوتاهی با فشارهای اقتصادی ناشی از بحران نفت، سیاست‌های دولت، جدایی علما و طیف سنتی و تحریک لپن‌ها در زمان کودتا از دولت مصدق حمایت نکردند.

#### ۴) نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در انقلاب اسلامی

قشربندی طبقات پایین جامعه طی دو دهه‌ی پایانی حکومت پهلوی دست‌خوش تغییرات جدی شد. با توجه به شاخصه‌های قشربندی اجتماعی، برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت و ساختار نئوپاتریمونیا (نوپدرشاهی یا سلطانیسم) قدرت در دوران پهلوی طبقات در آستانه انقلاب تقریباً در سه سطح قشربندی می‌شدند. بخش‌هایی از طبقه میانه و پایین کارگران صنعتی، رانندگان، کارمندان و نیروهای خدماتی رده پایین، و شهرک‌نشینان شرکتی بخش‌های خصوصی جزو طبقه پایین اما مدرن بودند. علت نارضایتی این گروه‌ها در سال‌های منتهی به انقلاب بیشتر مباحث ایدئولوژیک بود تا اختلاف طبقاتی و مسایل اقتصادی. گروه اصلی در طبقه پایین سنتی، مهاجرین روستایی به شهرها بودند که تحت تاثیر عوامل مختلفی چون اصلاحات ارضی و توسعه صنعتی و تفاوت سطح زندگی بین شهر و روستا، به امید کار و زندگی بهتر روستا و مناطق کشاورزی را ترک کرده به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده بودند. رشد روزافزون این گروه در شهرها کم‌کم تعادل را به نفع گروه‌های سنتی و تحت تاثیر بازار به هم زد (کمالی، ۸۱: ۱۱۵).

#### ۴-۱) زمینه‌های جذب حاشیه‌نشینان و فرودستان در فرآیند انقلاب

– مدرن‌سازی شتاب زده و ایجاد گروه بزرگ حاشیه‌نشین شهری: شاه با استفاده از درآمد نفت و با به اجرا گذاشتن ۵ برنامه‌ی هفت‌ساله‌ی مدرن‌سازی جامعه ایران را هدف عمده‌ی سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی خود قرار داده بود. بر اثر این برنامه‌های توسعه‌ای بخش صنعت رونق چشم‌گیری پیدا کرد و به همان نسبت از رونق بخش کشاورزی کاسته شد. در نتیجه‌ی رکود بخش کشاورزی، مهاجرت روستاییان به شهرها که از زمان اصلاحات ارضی شروع شده بود افزایش پیدا کرد. جمعیت شهرنشین در سال ۵۵ به حدود ۵۰ درصد رسیده بود. بخش عمده‌ای از رشد سرسام‌آور جمعیت شهرهای ایران نتیجه مستقیم

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹  
مهاجرت روستاییان به شهرها بود به طوری که در سال ۵۵ بین ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت شهرها را مهاجرین تشکیل می‌دادند (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

- **اختلاف طبقاتی و محرومیت نسبی:** حاشیه‌نشینان به علت نداشتن جایگاهی در محدوده‌ی شهری و فقدان کانال‌های ارتباطی با حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی مدرن و سنتی به توده‌ای بی‌شکل تبدیل شده بودند.

- **رکود اقتصادی سال ۵۷:** سیاست مهار تورم که در سال منتهی به انقلاب انجام شد با ایجاد رکود نسبی، منجر به کاهش زیاد پروژه‌های عمرانی، ساختمان سازی و برخی صنایع شد. گروه‌های فرودست مانند کارگران ساختمانی و صنایع کوچک، مزدبگیران شهری و کارگران فصلی و بخش زیادی از طبقات فقیر شهری با توجه به تحریکات قبلی و شرایط اقتصادی به تظاهرات خیابانی روی آوردند. این مشارکت ترکیب طبقاتی انقلابیون را دگرگون ساخت و اعتراض طبقه متوسط و برخی روشنفکران را به اعتراض سراسری طبقه متوسط و کارگر و پایین شهری تبدیل کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ۶۴۴).

- **رهبری کاریزماتیک جنبش:** رهبری مذهبی کاریزماتیک که دو منبع قدرتمند یعنی ایدئولوژی دینی بسیج‌گر و شبکه سازمانی روحانیت را در اختیار داشت امکان ورود انقلاب به مرحله نهایی بسیج انقلابی و به حرکت درآوردن توده‌ها را فراهم آورد. ویژگی کاریزماتیک امام خمینی مانند: الف) خاستگاه و مقام دینی آیت‌الله خمینی، ب) روش‌های انحصاری مبارزه‌ی او و، ج) نبودن رقیب هم‌تراز در میان سایر مخالفان حکومت؛ موجب اجماع همگانی بر سر رهبری انقلاب شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۵۵). مناسبات کاریزماتیک میان رأس و بدنه انقلابی جنبش‌ها نقش مستقیمی در ارتباط و تشکلیابی بسیج‌های گسترده طبقاتی و توده‌ای داشت، به نحوی که رهبر مذهبی جنبش در همان ایام آمیزه‌ای از اهداف مترقی و محافظه‌کارانه را بیان می‌کرد و از قضا مورد توافق و قبول همه گروه‌ها قرار می‌گرفت. آموزه‌های انقلابی - عقیدتی شخصیت‌هایی مانند شریعتی از دیگر علل تبعیت این قشر از رهبری مذهبی بود. از مهمترین وعده‌های آیت‌الله خمینی در بسیج مزدبگیران و طبقات محروم وعده او مبنی بر ایجاد عدالت اجتماعی بود. این وعده‌ها دقیقاً همزمان با ناتوانی رژیم در برآوردن انتظارات این طبقات بود. شکوه‌ها و مطالبات طبقات تهیدست و حاشیه‌نشین جنبش به طور نمایانی مادی بود. این افراد از رهبران مذهبی پیروی می‌کردند و برخی خواسته‌های خود را به شکل اسلامی مطرح می‌کردند چون راه دیگری نمی‌شناختند (کدی، ۱۳۶۹: ۲۸۲).

## ۵) عوامل موثر بر نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد

از آنجا که واحد تحلیل در این پژوهش نقش و تاثیرپذیری طیف بزرگی از توده مردم در طی

نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ...

سه رویداد اجتماعی مختلف را شامل می‌شود؛ در نتیجه وجوه مقایسه نیز به همان نسبت از کلیت برخوردار می‌باشد. بنابراین با بررسی عوامل اصلی موثر بر توده‌ها و فرودستان در سه رویداد چنین بر می‌آید که عوامل زیر به صورت مشترک و با تأثیری مشابه در نقش‌آفرینی گروه‌های فوق در هر سه رویداد مشاهده شده است.

### ۱-۵) تبعیت و پیروی از گروه‌های مسلط در جنبش‌ها

بنا بر یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که توده‌ها و طبقات فرودست در همه جنبش‌ها حضور داشته‌اند؛ اما این حضور بیشتر تحت تأثیر و به عنوان ابزار فشار گروه‌های فعال و مسلط و در مراحل نهایی جنبش بوده است. در مراحل اولیه جنبش‌ها، توده‌ها ابتکار عملی از خود نداشته‌اند و با توجه به پیشینه‌ی سیاسی این طبقات در گذشته و عدم ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگ سیاسی تبعی، گروه‌های پیشرو سخنگوی خواسته‌های این گروه‌ها در جنبش بوده‌اند. مشارکت این اقشار در سایه اهداف گروه‌های مرجع بوده است. در اعتراضات و بیان مطالبات هم از گروه‌های رهبری‌کننده تبعیت کرده و توانایی ارائه تقاضای سیاسی مستقلی نداشته‌اند. بر خلاف تصور رایج مبنی بر اینکه توده‌ها و فرودستان همواره در رویدادهای اجتماعی در حمایت از روحانیون وارد عرصه تحولات شده‌اند بنا بر یافته‌های این پژوهش توده‌ها تحت تأثیر دیگر گروه‌هایی که بر جنبش مسلط شده و نقش رهبری اجتماعی را بر عهده گرفته‌اند نیز وارد عرصه تحولات شده‌اند.

توده‌ها و فرودستان از شروع تحرکات تا صدور فرمان مشروطه تحت تأثیر گروه‌های مسلطی چون علما، مراجع معروف و بازاریان واجد نقش موثر و مستقلی نبودند. آنها در ابتدای جنبش، هنوز آگاهی سیاسی اجتماعی نداشتند. توده‌ها پس از صدور دستور مشروطه تا فتح تهران از حالت تبعیت کامل از روحانیت و بازار خارج شده و نقش تسلط بر این گروه‌ها از علما به روشنفکران منتقل شد و معمولاً به کمک واسطه‌هایی از هواداران انجمن‌ها در جهت تحقق خواست‌های سیاسی خود استفاده می‌کردند. در ابتدای دهه ۳۰ توده مردم و اقشار فرودست تأثیر مستقیم و مستقل بر روند رخدادها نداشتند اما به مرور تحت تسلط سه جریان فکری به رویدادهای سیاسی این دوره وارد شدند. در این دوره برای نخستین بار جریان‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی موفق شدند بخشی از توده را با خود همراه سازند و در کنار اهداف سیاسی خود، شعارها و مطالبات این قشر را بیان کنند. جبهه ملی به خصوص طیف سنتی آن پس از گردآوری نیروها و تلاش برای پیروزی در انتخابات مجلس شانزدهم در ۱۳۲۸ با زبان طبقات متوسط و پایین‌تر به طرح دیدگاه پرداخت و با حمایت از برخی جریان‌های مذهبی و بازار توده‌ها را به خود نزدیک ساخت. همچنین حزب توده (با جود اختلاف نظرهای سیاسی حل نشده‌ای که با جبهه ملی داشت) که پایگاه نیرومندی در بین جنبش کارگری و طبقه مزدبگیر شهری داشت به

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

خصوصاً از وقایع مجلس شانزدهم تا سال ۳۱ از جمله در قیام سی تیر با برگزاری اعتصابات مختلف حمایت خوبی از جبهه ملی به عمل آورد. سیاست سخت‌گیرانه شاه پس از ۲۸ مرداد تأثیر زیادی بر دو گروه فعال سیاسی غیرمذهبی بر جای گذاشت که نتیجه آن تضعیف این گروه‌ها و کاهش ارتباط این جریان با توده‌ها شد. اما در غیاب آن‌ها از طرفی گروه‌های مذهبی در سال‌های منتهی به انقلاب بر تسلط خود افزودند و از طرفی مذهبی‌های مدرن و نیروهای انقلابی و چریکی، مذهب را یک ایدئولوژی سیاسی برای انقلاب اجتماعی تعریف می‌کردند. بدین سان در اواخر انقلاب این دو طیف تسلط زیادی در بسیج توده‌ها و سازماندهی اعتراض‌ها و به میدان آوردن طبقات فرودست جامعه داشتند.

## ۲-۵) تحریک ایستارهای احساسی و ارزشی و تاثیر عناصر کارزماتیک

در هر سه رویداد جهت‌گیری و تحریک ایستارهای احساسی و ارزشی عامل جدی واکنش و طغیان توده‌ها و طبقات پایین در برهه حساس ورود به جنبش‌ها بوده است. در مشروطه شروع جریان‌ات توده‌ای با قضیه موسیو نوز بلژیکی و حادثه مسجد شاه بود که رفتار سیاسی آن‌ها مبتنی بر تحریک ایستارهای ارزشی و احساسی بود. در سایر وقایع اصلی منجر به صدور دستور مشروطه از جمله قضایای هجرت حضور دو روحانی مذهبی کارزماتیک و موجه چون طباطبایی و بهبهانی و تحریک احساسات مذهبی توده‌ها با میدان‌داری طلاب بر مبنای دفاع از ارزش‌هایی چون حفظ حرمت مرجعیت و مکان‌های مذهبی منجر به بسیج توده‌ها شد.

از علل مهم گرایش مردم به مصدق شخصیت فرهمند و کاریزمای او بود. او به وطن پرستی واقعی و مخالفت با وابستگی‌های خارجی و امتیازدهی مشهور بود. در جریان ملی شدن نفت شروع جنبش با تحریک احساسات ریشه‌دار ضد استعماری و میهن پرستانه و بعد با واقعه سی تیر ارزش‌ها و احساسات ملی‌گرایانه و عدالت‌خواهانه در کنار تحریک احساسات مذهبی مردم توسط طیف سنتی جبهه باعث استقبال بسیار توده مردم و طبقات فرودست شد. مصدق و برخی نمایندگان جبهه ملی چندین سخنرانی پرشور در تهییج احساسات ملی و ضد استعماری در منظر عموم ایراد کرد و کاشانی با صدور (اعلامیه‌ای به مردم) مبارزه برای ملی کردن نفت و جنگیدن را به مثابه جهاد علیه دشمنان اسلام و ایران تشویق کرد. همچنین در چندین واقعه مهم پس از سی تیر تا کودتا تحریک احساسات مذهبی بخشی از جامعه سنتی و گروه‌های فرودست و صدور اعلامیه‌ها توسط بازار و برخی روحانیون به نفع شاه انجام شد. تغییر موضع بخشی از طبقات سنتی و پایین در فاصله کوتاه نشان واضحی مبنی بر عدم وجود کنش‌های عقلایی و رفتار سیاسی مبتنی بر ایستار فرهنگی احساسی و ارزشی می‌باشد.

ایدئولوژی دینی بسیج‌گر و رهبری کارزماتیک در انقلاب سال ۵۷ ایران توانست فراتر از سایر عوامل در موقعیت مناسب همه شعارها و مطالبات انقلابیون را هماهنگ و هم‌سو تحت

نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ...

یک بیان ایدئولوژیک که مبتنی بر ایستارهای ارزشی بود مطرح کند. خیلی از شعارهای مشترک میان گروه‌های چپ، ملی و مذهبی مانند عدالت، آزادی و استقلال به شکل بیان مذهبی که توانایی بسیج و تحریک توده‌ها را داشته باشد بیان می‌شد. شروع فاز توده‌ای در انقلاب با انتشار مقاله‌ی توهین‌آمیزی علیه روحانیت در روزنامه اطلاعات بود که با تحریک ایستارهای ارزشی توده‌ها منجر به آغاز خشونت‌ها و سپس مراسمات چهل‌م شد. همچنین در تابستان ۵۷ آتش گرفتن سینما رکس آبادان باعث تحریک گسترده احساس توده‌ها و کارگران و برانگیختن خشم عمومی شد.

### ۳-۵) بحران اقتصادی مقطعی و آمادگی برای خیزش

با توجه به قشربندی نوین اجتماعی در ایران و تعمیق نابرابری‌های اجتماعی، به هنگام بروز نارضایتی‌ها و شروع تحولات عمده سیاسی در بین توده‌ها و اقشار فرودست آمادگی برانگیختن و پیروی از یک جنبش اجتماعی و سیاسی وجود داشته است. از علل عمده بروز این نارضایتی‌ها وقوع یک بحران اقتصادی در هنگامه جنبش‌ها است. وقتی اعتبار و پشتیبانی سیاسی یا منابع خاص حکومت‌ها ضعیف گردد وقوع یک بحران اقتصادی مزید بر علت شده، توده و اقشار آسیب‌پذیر را به عرصه جنبش‌ها کشانده و کنترل نارضایتی‌ها را سخت می‌کند. در اواخر دوره قاجار کاهش ارزش پول ایران که ناشی از زوال اقتصاد سنتی و واگذاری گسترده امتیازات اقتصادی و منابع حاصل از آن به خارجی‌ها بود بحران آفرید. در دو سال منجر به انقلاب مشروطه وقوع چند مورد قحطی و کمبود نان و غلات و گوشت و احتکار در مناطق مختلف منجر به بروز شورش‌هایی شد که به کشته شدن تعدادی از طبقات پایین بازار و معترضین ختم شد. اما مهم‌ترین بحران اقتصادی در اثر کمبود مواد غذایی و شایعه احتکار و چوب خوردن تعدادی از بازاریان موجه رخ داد که به گسترده شدن اعتراضات و پیوستن توده و فرودستان به انقلاب انجامید.

پس از وقایع منجر به ملی شدن نفت و تحریم‌های بین‌المللی و متعاقب آن کاهش شدید درآمد نفت و تورم فزاینده، رشد قیمت‌های کالاهای مصرفی و بیکاری روزافزون، دولت را با بحران مواجه کرد و این بحران به نارضایتی برخی گروه‌ها به خصوص فرودستان و پایین‌دست بازار انجامید. تحریم‌ها منجر به کاهش مبادلات و رشد اقتصادی شده بود. همچنین درگیر شدن در جنگ دیپلماتیک نفت و توجه خاص به این قضیه منجر به کاهش توجه به برخی مشکلات عمومی و نارضایتی بخش‌های خارج از مرکز و حاشیه گردیده بود.

بحران اقتصادی تاثیرگذار در هنگام انقلاب اسلامی رکود اقتصادی سال ۵۷ بود؛ که ناشی از سیاست مهار تورم و از تبعات کاهش درآمد نفت بود. با توجه به بهسازی‌ها و رشد کم نظیر اقتصادی در دهه ۴۰ و ابتدای ۵۰ توقعات قابل توجهی در سطح وسیعی از توده‌ها برای بهتر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

ساختن شرایط مادی ایجاد شده بود. از میانه دهه‌ی ۵۰ شمسی بروز مشکلات اقتصادی و ناتوانی در برآوردن خواسته‌ها به نارضایتی‌ها دامن زد. چنان که در سال‌های ۵۵ و ۵۶ خاموشی‌های طولانی مدت تهران، تورم چندباره مواد غذایی و رشد اقتصادی منفی و بیکاری پایان رونق اقتصادی نفتی را هشدار می‌داد. بحران با رکود اقتصادی سال ۵۷ شکل جدی به خود گرفت. رکود نسبی منجر به کاهش زیاد پروژه‌های عمرانی، ساختمانی و برخی صنایع شد. از اوایل تابستان ۵۷ گروه‌های فرودستی مانند کارگران ساختمانی و صنایع کوچک، مزدگیران شهری، کارگران فصلی و بخش زیادی از طبقات فقیر شهری با توجه به تحریکات قبلی و شرایط اقتصادی به تظاهرات خیابانی روی آوردند. این مشارکت راهپیمایی‌های چند ده هزار نفری را به چند صد هزار نفری تبدیل کرد و ترکیب طبقاتی انقلابیون را نیز دگرگون ساخت. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۳۰)

#### ۴-۵) در هم‌ریختگی طبقاتی و استفاده ابزاری از گروه‌های فرودست

تحرك اجتماعی روندی از نوسازی است که بدان وسیله ارزش‌های قدیمی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و الگوهای رفتاری فروپاشیده می‌شود و الگوهای جدید جامعه‌پذیری و رفتار در دسترس مردم قرار می‌گیرد. تحرك اجتماعی سریع فشارهایی را برای تغییر روش‌ها و نهادهای سیاسی بوجود می‌آورد. تحرك اجتماعی سریع ایران در قرن گذشته به دلایل اقتصادی و فرهنگی باعث شد که افراد از مرزهای مابین طبقات گذر کنند و در برخی جنبش‌ها همین به هم ریختگی طبقاتی و ایجاد گروه‌های جدید مانند لمپن‌ها و لوطی‌ها در نقش‌پذیری توده‌ها و طبقات فرودست تاثیر بسزایی داشت. در هر سه رویداد مورد پژوهش گروهی از افراد فرودست یا پایین‌دست اجتماع مانند لوطیان، لمپن‌ها و چماقداران که به لحاظ فرهنگی و سیاسی رفتاری غیر از سایر اقشار فرودست از خود نشان می‌دادند در نقش ابزار فشاری بر هر دو سمت جنبش ظاهر شدند. در دوران مشروطه هم هر دو سمت منازعه از لوطیان و برخی گروه‌های فرودست استفاده کردند. در واقعه میدان توپخانه به تحریک شیخ فضل‌الله نوری و امام جمعه سلطنت طلب تهران علاوه بر هواداران شیخ و درباریان گروه‌هایی از لوطی‌های مسلح، مستخدمان، دهقانان اراضی سلطنتی ورامین، کارگران ساده بازار، قاطرچی‌ها، خدمتکاران و شاغلان رده پایین قصر به مجلس و متحدین حمله کردند و از طرفی پس از دوران استبداد صغیر نیروی مجاهدین و لوطیان که بیشتر جنبه نظامی داشته و نقش حمایت از آزادی‌خواهان و دستاوردهای مشروطه را برعهده داشتند بیشتر به عنوان ابزار دفاعی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

در وقایع دوران ملی شدن نفت تا کودتا هر دو سمت منازعه به تناسب موقعیت از لمپن‌ها و عناصر هوچی‌گر استفاده کردند. این افراد برای دستیابی به هدف از خشونت و درگیری فیزیکی با مردم تا ایجاد بحران و تظاهرات مصنوعی و پخش اعلامیه تخریبی بهره می‌بردند. در

جریان‌ات سی تیر و به پشتیبانی از علما و روحانیون به همراه نیروهایشان به حمایت از دولت مصدق پرداختند و در جریان‌ات پس از شکاف بین دو طیف جبهه ملی، لمپن‌ها در این جریان با تحریکات وابستگان سلطنت از طریق وعده مالی و امتیاز و تشویق و همراهی برخی چهره‌های مذهبی بانفوذ موفق به تحریک توده‌های پایین‌دست و بخشی از افراد فقیر شهری ضد دولت مصدق شدند.

در قیام ۱۵ خرداد ۴۲ همین لمپن‌ها با تغییر فاز، نقطه شروع تظاهرات و شورش در میدان تره بار بودند و بسیاری از کسبه و شاگردان مغازه‌های میدان و توده‌های پایین شهری را با خود همراه کردند با این تفاوت که این بار این گروه به طرفداری از روحانیت و در مخالفت با دربار و سیاست‌های غرب‌گرایانه در قیام شرکت کردند و منجر به برخورد سخت حکومت پس از قیام با آنان شد. استفاده از لمپن‌ها یا برخی گروه‌های فرودست خشونت ورز تا وقایع انقلاب ادامه داشت. در موارد متعدد تظاهرات ضد انقلابی توسط چماق‌داران که اکثراً از حاشیه یا مناطق بدنام اجبر می‌شدند برگزار می‌شد. این رفتار غارت‌گرانه‌ی چماق‌داران و خشونت علیه انقلابیون و آتش زدن مغازه‌های خیابان و حجره‌های بازار، منجر به تشکیل کمیته‌های انقلاب و کمک آن‌ها در فرآیند انتقال قدرت در اجتماع شد. در سال پایانی انقلاب در موارد متعدد هم حمله و خشونت علیه فعالان حزبی، چهره‌های سرشناس مخالف و برخی انقلابیون به دستور حکومت صورت می‌گرفت. (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

علاوه بر ۴ عامل اصلی که ذکر شد برخی عوامل دیگر هم در نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان اهمیت بسزایی داشته است اما تاثیر آنها در سه رویداد مختلف با هم تفاوت داشته است:

**۱. گستره‌ی بسیج توده‌ای:** به جز انقلاب ۵۷ که میزان بسیج توده‌ای در ماه‌های پایانی بسیار بالا و گستره‌ی آن در تمام شهرهای مهم کشور بود؛ بسیج توده‌ای و حضور طبقات فرودست در مشروطه کمتر و در دوره ملی شدن صنعت تا کودتا محدود به مرکز و چند شهر متأثر از وقایع بود. در مشروطه و تا قبل از صدور دستور مشروطه حضور توده‌ای بیشتر مربوط به مرکز و محل بست‌نشینی‌ها بود. سران جنبش برای پیشبرد جنبش و مجبور کردن شاه به پذیرش خواسته‌ها و نهایتاً امضای دست‌خط مشروطه به جمعیت‌های انبوه نیاز داشتند اما این حرکت‌ها به غیر از مهاجرت کبری، منجر به شورش‌های توده‌ای عظیم و خارج از مرکز نگشت. طبقات فرودستی مانند دهقانان و پیشه‌وران نیز به طور گسترده و با خواسته مشخص در جنبش شرکت نداشتند. بعد از برقراری استبداد صغیر و شروع مبارزات، بسیج توده‌ای گسترده‌تر شد؛ اما با این حال بیشترین اعتراضات در شهرهایی همچون تهران، تبریز، اصفهان و بختیاری رخ داد که ایلات و قومیت‌ها به عنوان نیروهای اجتماعی تاثیرگذار تحت تاثیر سران قبایل در آنجا

ساماندهی شده بودند.

در برهه ملی شدن صنعت نفت مصدق تلاش کرد مرکز قدرت را به خیابان ببرد تا با حمایت توده‌ها کار را پیش ببرد. این حمایت‌ها بیشتر مربوط به تهران بود. علاوه بر این با حمایت طیف سنتی جبهه و نزدیکی مقطعی حزب توده در چندین شهر حمایت توده‌ای از جبهه ملی صورت می‌گرفت. حزب توده در شهرهای صنعتی به خصوص در تهران، اصفهان و آبادان تعداد زیادی هوادار کارگر داشت. در واقعه ۳۰ تیر سه جریان ملی گرا، سوسیالیست و سنتی به طور متحد با بسیج توده‌ها از مصدق حمایت کردند و در تهران و چندین شهر بسیج توده‌ای شکل گرفت.

در انقلاب ۵۷ حجم بسیج توده‌ای به دلایل مختلف (افزایش گروه‌های حاشیه نشین، گسترش طبقه کارگر و نقش رهبری مذهبی در بهم پیوستن طبقات) بالاتر از دو جنبش قبلی و گستره‌ی آن در تمام شهرهای مهم کشور بود و نقش اصلی توده‌ها و گروه‌های حاشیه‌نشین شهری در تحقق مرحله بسیج انقلابی بود. بدین نحو که با حضور توده‌ها قیام شکل گسترده و سراسری به خود گرفت، کنترل جنبش از دست حکومت خارج شد و به صحنه آمدن گروه حاشیه‌نشین شهری، مزدبگیر و کارگران پیروزی نهایی انقلاب را ممکن ساخت. در موج دوم انقلاب حرکت‌های اعتراضی از پایتخت به سایر شهرها گسترش یافت. و مهم‌تر این که در بسیاری موارد راهپیمایی‌ها به خشونت می‌گرایید. افزایش تعداد افراد شرکت کننده در تظاهرات، رشد یک‌باره‌ی اعتصابات و افزایش میزان کشته شدگان و مقایسه بین مراحل اول انقلاب با مرحله بسیج سراسری توده‌ها به وضوح اثرگذاری بسیج انقلابی توده‌ها و نیرو و شتابی که در اثر ورود این طبقات و اضافه شدن کارگران و حاشیه‌نشینان به فرآیند انقلاب افزوده شد را نشان می‌دهد. در مجموع چیزی در حدود ۲۴۸۳ مورد تظاهرات که طی انقلاب گزارش شده است که گستره آن در ماه‌های پایانی تقریباً تمامی شهرهای بزرگ کشور را در بر می‌گرفت. با شروع اعتصابات سراسری بیش از ۱۲۰۰ اعتصاب در ۲۹ شهر برقرار شد. (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۸۸)

## ۲- بعد و سطح نابرابری اجتماعی (تاثیر حس محرومیت بر جریانات

کارگری و حاشیه‌نشین شهری): نابرابری اجتماعی و محرومیت نسبی به عنوان عامل مهم در بروز ناراضیاتی در طبقات فرودست و کم برخوردار شناخته می‌شود. در هر سه رویداد اجتماعی مورد پژوهش نابرابری اجتماعی وجود داشته است؛ اما گروه‌های تحت تاثیر و سطح نابرابری در سه جنبش اجتماعی مد نظر متفاوت بوده است. در دوره مشروطه شیوه زندگی اکثر طبقات اجتماعی غیر مسلط به هم نزدیک بود و نابرابری ژرفی در معیارهای زندگی و الگوهای مصرف مشاهده نمی‌شد. در این دوره در نبود طبقات فرودست متاثر از نابرابری اجتماعی نیروهای اجتماعی دیگری همچون ایلات و قومیت‌ها به عنوان حامیان و ابزار گسترده شدن و



توده‌ای شدن جنبش عمل کردند. به مرور با تغییر قشریندی اجتماعی و روند صنعتی شدن در جریان ملی شدن صنعت نفت و با افزایش حجم طبقه کارگر و مزدبگیر شهری و تحت تاثیر فعالیت‌های کارگری حزب توده که نقش مهمی در سازماندهی و انتقال مفاهیم عدالت‌خواهانه و ضد نابرابری به این طبقات داشت، قدرت اثرگذاری اجتماعی آن‌ها افزایش یافت و نقش آن‌ها در ملی شدن صنعت نفت و قیام سی تیر و رخداد‌های قبل از کودتا پررنگ‌تر شد. در جریان ملی شدن نفت جبهه ملی و روحانیون مذهبی با تاکید بر اختلاف طبقاتی و فقر، سهم ناچیز توده ملت ایران از نفت را یادآوری کردند.

اما نابرابری در انقلاب اسلامی چند بُعدی و چند سطحی است. بعد نخست، نابرابری در توزیع کلی درآمد‌ها (عدالت توزیعی). نابرابری درآمدی شهر - روستا، پایتخت - شهرستان‌ها و مناطق مختلف شهری (بالا شهر - پایین شهر) از این موارد است. بُعد دوم، اختلاف سرمایه‌گذاری و متعاقب آن درآمد در بخش کشاورزی؛ باعث افزایش مهاجرت از روستا به شهر و افزایش طبقات فرودست و حاشیه‌نشین و بُعد سوم، در حوزه‌ی صنعت اختلاف سطح درآمدی بین کارگران صنایع دولتی و خصوصی تحت حمایت با صنایع کوچک‌تر و حاشیه‌ای. بنابراین توزیع ناکارآمد، بی‌قاعده و رابطه‌مند در بخش‌های مختلف جامعه، قشر بزرگی از مزدبگیر شهری و حاشیه‌نشین‌ها را ایجاد کرد که پیوستن آن‌ها به جنبش انقلابی، امکان سراسری شدن آن را فراهم کرد.

**۳- تاثیر عوامل خارجی:** بررسی تاثیر عوامل خارجی در جنبش‌ها و رویدادهای اجتماعی تاثیر دوگانه‌ی آن را آشکار می‌نماید. از یک سو، به عنوان کاتالیزور در تحریک احساسات، اتحاد و انسجام جنبش‌ها نقش‌آفرینی کرده است و از سوی دیگر، به عنوان عاملی منفی در طرح‌ریزی کودتاها و دخالت‌ها به عنوان مانع عمل کرده است. در انقلاب مشروطه و ملی شدن نفت تاثیر عامل خارجی دو سویه مشهود بوده است. در مشروطه، قضایای موسیو نوز و بعدها در به توپ بستن مجلس و استفاده از قوای روس به عنوان عامل تحریک توده‌ها می‌توان اشاره کرد و در چندین موقعیت شاهد بست‌نشینی طیف گسترده‌ای از توده و اقشار سنتی و فرودست در سفارت دو دولت استعماری و تظلم‌خواهی برخی سران جنبش از آنان بودیم. در ملی شدن نفت نیز از یک طرف، دخالت‌های خارجی موجب تحریک حس ناسیونالیستی و حمایت توده‌ها از دولت ملی مصدق شد و از طرف دیگر، با استفاده از لمپن‌ها و تحریک احساسات طبقات پایین توسط عوامل دست‌نشانده به طرح‌ریزی کودتا اقدام کرده است. در انقلاب اسلامی نیز، شعارهای ضد امپریالیستی رهبری مذهبی، انتقادات روشنفکران نوظهور مذهبی از غرب‌زدگی و مبارزه آشکار گروه‌های پرتعداد چپ‌گرا (تحت تاثیر فضای جهانی در دهه ۶۰ میلادی) بر ضد تفکر سرمایه‌داری و احساس وابستگی جدی حکومت به غرب در تحریک و نقش‌آفرینی توده‌ها و

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹  
طبقات سنتی و محروم در انقلاب سال ۵۷ به عنوان تاثیر عوامل خارجی نقش بسزایی داشته است.

### نتیجه‌گیری

با بررسی زمینه‌ها و شرایط اجتماعی وقوع مشروطه، ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی مشخص شد که چهار عامل به طور شاخص با تاثیرات مشابه در هر سه رویداد مورد پژوهش مشاهده شده است و بیشترین تاثیر را نقش آفرینی توده و فرودستان داشته است. بر اساس دیدگاه‌های نظری استفاده شده در پژوهش یعنی فرهنگ سیاسی تبعی و رفتار سیاسی احساسی، نقش رهبری کاریزماتیک و تاثیر عامل محرومیت نسبی دو عامل اول به همراه بحران اقتصادی مقطعی و استفاده ابزاری از گروه‌های فرو مرتبه در هر سه رویداد اجتماعی همخوانی داشته است:

- توده‌ها و طبقات فرودست در هر سه جنبش حضور داشتند، اما بیشتر به عنوان ابزار فشار گروه‌های فعال و مسلط و در مراحل نهایی جنبش بوده است و در اعتراضات و بیان مطالبات توانایی ارائه تقاضای سیاسی مستقلی نداشته‌اند.

- در هر سه رویداد جهت‌گیری و تحریک ایستارهای احساسی و ارزشی عامل جدی واکنش و طغیان توده‌ها و طبقات پایین در برهه حساس ورود به جنبش‌ها بوده است. تاثیر چهره‌های کاریزماتیک بر بسیج توده‌ای و وقوع رخدادها در مواقعی که به لحاظ ایدئولوژیک حساسیت برانگیز بوده است در وقایع منجر به هر سه رویداد قابل مشاهده است.

- از علل عمده بروز نارضایتی‌ها و پیوستن توده‌ها و طبقات پایین در این سه رویداد، وقوع یک بحران اقتصادی در هنگامه‌ی جنبش‌ها است. وقتی اعتبار و پشتیبانی سیاسی یا منابع خاص تقویت حکومت‌ها ضعیف شده است وقوع یک بحران اقتصادی مزید بر علت شده، توده و اقشار آسیب‌پذیر را به عرصه جنبش‌ها کشانده، در نتیجه جنبش گسترده شده و نارضایتی‌ها غیرقابل کنترل شده است.

- تحرک اجتماعی سریع منشا تغییرات زیادی در قشریندی اجتماعی بوده است. در این حالت به دلایل اقتصادی و فرهنگی افراد به سرعت از مرزهای مابین طبقات گذر می‌کردند و همین به هم ریختگی منجر به ظهور گروه‌هایی شد که در نقش‌پذیری طبقات فرودست تاثیر بسزایی داشت. در هر سه رویداد مورد پژوهش گروهی از افراد بی‌طبقه یا فرومرتبه اجتماع مانند لوطیان، لمپن‌ها و چماق‌داران که به لحاظ فرهنگی و سیاسی رفتاری غیر از سایر اقشار فرودست از خود نشان می‌دادند در نقش ابزار فشاری بر هر دو سمت جنبش ظاهر شدند.  
علاوه بر چهار عامل اصلی، سه عامل، گسترده‌ی بسیج توده‌ای، نابرابری اجتماعی و

نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ...

محرومیت نسبی و عوامل خارجی به عنوان عوامل ثانویه با درجه‌ی تاثیر متفاوت نقش‌آفرین بوده است. در انقلاب مشروطه تاثیر عوامل خارجی و گستره‌ی بسیج توده‌ای وجود داشته است. تاثیر عوامل خارجی به عنوان محرک توده‌ها و فرودستان در انقلاب مشروطه هم در ابتدای جنبش و هم بعداً در قضایای به توپ بستن مجلس و استفاده از قوای روس مشاهده می‌شود اما در نسبت با دو رویداد اجتماعی بعدی تاثیر کمتری بر روند حضور توده‌ها در جنبش داشت. همچنین نقش اقوام و حضور گسترده آنها به عنوان بخشی از توده مردم تنها در این رویداد مشاهده گردید. در ملی شدن نفت به غیر از عوامل مشترک ذکر شده عامل تاثیر خارجی در نقش‌آفرینی توده‌ها تاثیر بسزایی داشت. در رخدادها و تجمعات منجر به ملی شدن نفت نقش احساسات ملی و مذهبی عموم مردم و به خصوص طبقات محروم بر ضد دولت انگلیس و حمایت گسترده از دولت ملی و صنعت نفت در برابر استعمار بر نقش‌آفرینی توده‌ها بسیار موثر بود. همچنین تاثیر عامل خارجی در طرح‌ریزی کودتا و استفاده از لپن‌ها یا تحریک احساسات طبقات پایین توسط عوامل دست‌نشانده خارجی مشهود بوده است. در انقلاب اسلامی سه عامل حجم و گستره‌ی بسیج توده‌ای، ابعاد و سطوح محرومیت نسبی و نابرابری اجتماعی در توزیع درآمدها، بخش‌های کشاورزی و صنعتی مشهود بوده است. گروه‌های معترض به نابرابری گسترده‌ی اجتماعی و متاثر از محرومیت صعودی همچون یک توده‌ی بی‌شکل آماده‌ی هرگونه اعتراض و تغییر ساختار شکنانه‌ای بودند. همچنین شعارهای ضد امپریالیستی رهبری مذهبی، انتقادات روشنفکران نوظهور مذهبی از غرب‌زدگی و مبارزه آشکار گروه‌های چپ‌گرا بر ضد تفکر سرمایه‌داری و احساس وابستگی جدی حکومت به غرب در تحریک و نقش‌آفرینی توده‌ها و طبقات سنتی و محروم به عنوان تاثیر عوامل خارجی نقش بسزایی داشته است.

## منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه ی احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- اتابکی، تورج (۱۳۹۱). **تجدد آمرانه**، تهران: ققنوس.
- اشرف، احمد و بنوعیزی (۱۳۸۷). **دولت و طبقات اجتماعی در ایران**، ترجمه سهیلا ترابی، تهران: نیلوفر.
- امام جمعه زاده، جواد و دیگران (۱۳۹۲). «سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان»، **نشریه زن**، شماره ۱.
- امام جمعه زاده، جواد و دیگران (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه شناسی وقوع انقلاب اسلامی»، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال دوازدهم، شماره اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). **جامعه شناسی سیاسی**، تهران: نی.
- براون، ادوارد (۱۳۳۸). **انقلاب ایران**، ترجمه احمدپژوه، تهران: نشر کانون معرفت.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۱). **قیام ملی سی تیر به روایت اسناد**، تهران: دهخدا.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۶). **جامعه شناسی سیاسی**، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران.
- زکی، محمدعلی (۱۳۷۸). «پژوهشی در جامعه شناسی تاریخی»، **کیهان فرهنگی**، شماره ۱۵۳.
- شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۷۹). **پارلمنتاریسم در ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قریشی، امان الله (۱۳۳۵). **سیر کمونیزم در ایران**، تهران: کیهان.
- کسروی، احمد (۱۳۹۰). **تاریخ مشروطه ایران**، تهران: صدای معاصر.
- کسروی، احمد (۱۳۹۱). **تاریخ هجده ساله آذربایجان**، تهران: نگاه.
- کدی، نیکی (۱۳۶۹). **ریشه های انقلاب ایران**، ترجمه ی رحیم گواهی، تهران: قلم.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۱). **تاریخ بیداری ایرانیان**، تهران: امیر کبیر.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱). **دو انقلاب ایران**، تهران: دیگر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). **درآمدی نظری بر جنبشهای اجتماعی**، تهران: پژوهشکده امام خمینی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۶). **تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰**، تهران: روزنه.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: انتشارات سخن.
- مهدی نیا، جعفر (۱۳۸۴). **قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران**، تهران: امید فردا.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). **دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران**، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: امیر کبیر.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۴). **کسروی و تاریخ مشروطه ایران**، تهران: نی.

— یزدانی، سهراب (۱۳۹۲). **اجتماعیون-عامیون**، تهران: نی.

- Almond, G and Verba, S (۱۹۶۳). **The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nation**. Princenton: Princenton University Press.

- Ashraf, A (۱۹۷۱). **Imperialism, Class and Modernization From Above**. New York: Bedminster Press.

- Robert Gurr, T (۱۹۹۳). **Minorities at Risk: A Glibal View of Ethnopolitical Conflict**. Washington: United State Institue of Peace Press.